

صلى الله عليه وسلم



دانشکده فنی و حرفه ای دختران نی ریز

جزوه درسی:

برنامه ریزی و توسعه ی اقتصادی

مدرس:

سرکار خانم گرگین

نیمسال دوم ۹۹-۹۸

## مقدمه:

علم اقتصاد به شاخه‌های متعددی تقسیم شده و یکی از شاخه‌های مهم آن اقتصاد توسعه است. وظیفه اساسی اقتصاد توسعه بررسی امکان‌های کشورهای در حال گذر از فقر است. لذا تاکید عمده این شاخه از علم اقتصاد بر کشورهای کم‌درآمدی است که با شدت با فقر روبه‌رو می‌باشند اولین کتاب در زمینه توسعه اقتصادی ثروت ملل نوشته آدام اسمیت است که در سال ۱۷۷۶ منتشر شده بعد از جنگ جهانی دوم (از سال ۱۹۳۹ تا ۱۹۴۵ میلادی) برای جبران خسارات وارد شده بر کشورهای درگیر جنگ نظریه توسعه اقتصادی مطرح شد. ابتدا کشورها به سه دسته تقسیم شدن:

### (۱) کشورهای جهان اول:

این کشورها صنعتی و پیشرفته بودن و نظام اقتصادی آنها سرمایه داری بود.

### (۲) کشورهای جهان دوم:

این کشورها نسبتاً صنعتی و پیشرفته بودند سوسیالیستی بودند.

### (۳) کشورهای جهان سوم:

این کشورها در دوره ماقبل صنعتی قرار داشتند و طیف وسیعی از کشورها را شامل می‌شدند. نظام اقتصادی این کشورها مختلط بود و درجه اختلاط فعالیت بخش خصوصی و دولتی در هر کدام از آنها متفاوت بود.

پس از فروپاشی نظام سوسیالیستی شوروی در نظام‌های اقتصادی سوسیالیستی تغییرات وسیع صورت گرفت در حال حاضر جوامع به سه دسته تقسیم می‌شوند:

### (۱) جوامع مدرن و دانش محوری:

آن دسته از جوامعی است که در ورود و همگامی با عصر صنعتی موفق بودند.

## ۲) جوامع سنتی:

آن دسته از جوامع متکی بر کشاورزی و دهقانی هستند قبل از عصر نوین تاریخی وجود داشتند.

## ۳) جوامع گذر:

آن دسته از جوامع که برخی از ویژگی‌ها را از جوامع سنتی و برخی از ویژگی‌ها را از جوامع مدرن گرفتند و در آن دوگانگی وجود دارد.

## رشد اقتصادی:

رشد ترجمه کلمه Growth به معنی بزرگ شدن است. رشد معنی کمی و عددی دارد و در یک دوره زمانی معین قابل اندازه گیری است. در اینجا به برخی از تعاریف رشد اقتصادی از دیدگاه صاحب نظران اشاره می‌کند.

**تودارو** رشد اقتصادی را فرآیند پایداری که در اثر آن ظرفیت تولیدی اقتصادی طی یک دوره زمانی افزایش می‌یابد و سبب افزایش سطح درآمد ملی می‌شود تعریف می‌کند.

موسوی جهرمی رشد اقتصادی را افزایش تولید ناخالص ملی را (GNP) یک کشور در یک دوره زمانی معین تعریف می‌کند. در تمام تعاریف بالا رشد اقتصادی به عنوان یک پدیده کمی تغییرات در میزان تولید ملی هستند. این تغییرات ممکن است مثبت یا منفی باشد.

بنابراین رشد اقتصادی هم می‌تواند مثبت باشد و هم می‌تواند منفی باشد. در صورتی که تغییری در تولید صورت نگیرد رشد اقتصادی برابر با صفر است در اثر رشد اقتصادی کشور قادر

خواهد بود نیازهای مصرف کنندگان را بهتر برآورده نماید و استانداردهای زندگی را ارتقا بخشد.

نرخ رشد اقتصادی به صورت زیر محاسبه می گردد:

$$\text{نرخ رشد اقتصادی} = \frac{GNP(t) - GNP(t-1)}{GNP(t-1)} \times 100$$

$GNP(t)$ : تولید ناخالص ملی در دوره جاری

$GNP(t-1)$ : تولید ناخالص ملی در دوره قبل

رشد اقتصادی تحت تاثیر دو گروه افزایش می یابد:

(۱) افزایش عوامل تولید (نیروی کار، سرمایه، زمین و ...) از نظر کمی

(۲) تخصیص مناسب تر منابع و افزایش کیفیت عوامل تولید

### تعریف توسعه اقتصادی

توسعه در لغت به معنی گسترش و بهبود است، توسعه اقتصادی فقط به رشد اقتصادی محدود نمی شود بلکه در بعد گسترده تری مسائل مربوط به فقره نا برابری، مهاجرت، بیکاری، توزیع درآمد، بهران انرژی، کمبود مواد غذایی در کشورهای در حال گذر بحران تراز پرداختها و شاخص های اجتماعی را نیز در بر می گیرد.

برنامه های توسعه سازمان ملل متحد بر مفهوم و اندازه گیری توسعه بر حسب شاخص توسعه انسانی (HDI) ترکیب دارد. این شاخص نه تنها بر پایه درآمد واقعی بلکه بر اساس شاخص اجتماعی مانند امید به زندگی، میزان با سواد بزرگسالان و سال های تحصیلی مبتنی است. تودار و توسعه را فرآیند بهبود بخشیدن به کیفیت زندگی تمام مردم میدانند او به اشاره دارد:

۱) ارتقای سطح زندگی مردم یعنی بالا رفتن سطح درآمد و مصرف مواد غذایی، بالا رفتن

سطح پزشکی و آموزشی از طریق فرآیندهای مناسب رشد اقتصادی

۲) ایجاد شرایطی که موجب رشد عزت نفس مردم شود از طریق استقرار نظامها و نهادهای

اجتماعی، سیاسی، اقتصادی که مشوق شأن و احترام انسان باشد.

۳) افزایش آزادی‌های مردم در انتخاب از طریق وسعت بخشیدن به حدود متغیرهای انتخاب

آنها به عنوان مثال افزایش در تنوع کالاها و خدمات مصرف.

**نکته:** توسعه اقتصادی با رشد اقتصادی تفاوت دارد. رشد اقتصادی به افزایش مداوم در توانایی

اقتصاد برای تولید و کالا خدمات در طول زمان اطلاق می‌شود ولی توسعه اقتصادی افزایش

مداوم سطح رفاه اجتماعی جامعه در طول زمان است.

از دیدگاه عظیمی اقتصاد دان بزرگ کشور زمان توسعه اقتصادی عبارت است از فرآیندی که

یک جامعه سنتی را به یک جامعه صنعتی تبدیل می‌کند و طی آن فرآیند مبانی فنی تولید از

وضعیت سنتی به وضعیت مدرن متحول می‌شود.

پروفسور دادلی سیرز می‌گوید در مورد توسعه هر کشور باید به سه سوال اساسی پاسخ دهد،

۱) فقر چه تغییری کرده است؟

۲) بیکاری چه تغییری کرده است؟

۳) نابرابری چه تغییر کرده است؟

وی معتقد است یک یا دو مورد از مسائل اساسی فوق برتر شده باشند حتی اگر درآمد سرانه ۲

برابر شده باشد نمی‌توان گفت توسعه اتفاق افتاده است.

**توسعه پایدار:**

فرآیندی است توسعه که نیازهای نسل کنونی را تعیین می‌کند بدون اینکه توانایی نسل‌های آینده را برای رفع نیازهایشان به مخاطره اندازد توسعه پایدار گویند.

این تعریف از توسعه پایدار اساس مسئولیت‌های بین نسلی ساکنان روی زمین است.

سیاست‌های توسعه پایدار در سطح بین الملل به دلیل آلودگی‌های جهانی یا برون مرزی نظیر دی‌اکسید کربن یا سوخت هسته ای که آثار خارجی منفی مستقیمی در سطح جهانی دارند مطرح شدند.

**اندازه گیری توسعه اقتصادی:**

**مهم ترین شاخص‌های اندازه گیری توسعه اقتصادی:**

**(۱) تولید ناخالص ملی GNP**

ارزش ریالی تمامی کالاها و خدمات نهایی تولید شده به قیمت‌های جاری بازار طی یک دوره مالی معین (معمولا یکسال) است.

**(۲) تولید سرانه واقعی:**

عبارت است از تقسیم تولید ناخالص ملی به قیمت‌های ثابت تقسیم بر کل جمعیت کشور.

**(۳) توزیع درآمد**

بیشتر بودن درآمد یا تولید ناخالص واقعی سرانه الزاما موجب برخورداری بیشتر آحاد جامعه نیست برخورداری و رفاه جامعه، بستگی به توزیع مناسب درآمد دارد؛ توزیع درآمد در کشورهای در حال گذر نسبت به کشورهای توسعه یافته از شدت نابرابری بیشتری برخوردار است.

#### ۴) وسعت فقر:

به دو عامل بستگی دارد:

الف) سطح متوسط درآمد ملی

ب) درجه با برابری در توزیع درآمد

آمارها نشان می‌دهد که دست کم ۱/۳ جمعیت ساکن در کشورهای در حال گذر از فقر رنج می‌برند.

#### ۵) نرخ اشتغال:

هر چه تعداد بیشتری از نیروی کار فعال جامعه به کار تمام وقت مشغول شوند و نسبت شاغلین به کل نیروی کار جامعه افزایش یابد تولید ناخالص ملی، تولید واقعی سرانه، و رفاه اقتصادی جامعه افزایش می‌یابد. افزایش نرخ اشتغال همچنین موجب در حال گذر نظیر توزیع نامناسب درآمد، فقر، جرم و جنایت و اعتیاد می‌شود. نرخ اشتغال شاخص مناسبی برای اندازه‌گیری، درجه توسعه یافتگی درجه اشتغال می‌باشد.

#### ۶) تغییر ساختار اقتصادی:

تغییر ساختار به معنی افزایش سهم نیرو کار و ارزش افزوده در بخش‌های صنعت و خدمات نسبت به بخش کشاورزی است که در فرآیند طبیعی توسعه صورت می‌گیرد.

#### ۷) تمرکز زدایی و افزایش نرخ مشارکت:

واگذار کردن امور اقتصادی به مناطق، استان‌ها، و کاهش حجم فعالیت‌های اقتصادی دولت و سپردن آن به مردم به منظور افزایش کارایی را تمرکز زدایی گویند. هر چه میزان تمرکز زدایی



و نرخ مشارکت زنان در فعالیت اقتصادی و برنامه ریزی اجتماعی بیشتر باشد کشور توسعه یافته تر تلقی می‌شود.

#### ۸) دسترسی به امکانات بهداشتی:

یکی دیگر از شاخص‌های توسعه دسترسی به امکان بهداشتی نظیر آب آشامیدنی سالم، پایین بودن نرخ مرگ و میر کودکان و بالا بودن امید به زندگی است.

#### ۹) دسترسی به امکانات آموزشی:

از شاخص‌هایی که مورد تاکید سازمان ملل متعدد قرار دارد گسترش امکانات آموزشی و دسترسی سهل و رایگان تمامی افراد به امکانات آموزشی است هزینه آموزش و پرورش عمومی در کشورهای در حال گذر بسیار بالا است در حالی که کیفیت آموزش نسبت به دانش روز جهان پایین است.

#### ۱۰) شاخص توسعه انسانی (HDI):

شاخص توسعه انسانی میانگین وزنی ساده از سه شاخص امید به زندگی از بدو تولد، نرخ باسوادی بزرگسالان و قدرت خرید واقعی افراد به دست می‌آید امید به زندگی وضعیت بهداشتی کشور، نرخ باسوادی، وضعیت علمی کشور و قدرت خرید واقعی وضعیت دسترسی به امکانات‌های لازم برای زندگی را نشان می‌دهد.

دامنه تغییرات (HDI) بین ۰ و ۱ است. اگر  $0 \leq HDI \leq 0.5$  باشد کشور در مرحله پایین

توسعه است. اگر  $0.5 \leq HDI \leq 0.8$  باشد کشور در مرحله متوسط توسعه است.  $HDI \leq 1$

$0.8 \leq$  باشد کشور در مرحله بالا توسعه است. ژاپن و آمریکا در رتبه بندی شاخص توسعه

انسانی در بالاترین نقطه وجود دارد. امید به زندگی در ژاپن ۸۷ سال و در کشورهای در حال توسعه ۶۲ سال است. (۱۶ سال تفاوت دارد)

### خصوصیات مشترک کشورهای در حال گذر:

اغلب کشورهای جهان حرکت خود را از مبدا جامعه سنتی به سمت جامعه صنعتی آغاز کردند به این جوامع کشورهای در حال گذر می‌گویند. چون در حال عبور از یک مرحله تاریخی به یک مرحله تاریخی دیگر هستند خصوصیات مشترک کشورهای در حال گذر عبارتند از:

#### (۱) پایین بودن سطح زندگی:

اغلب مردم کشورهای در حال گذر از حداقل امکانات اساسی مانند مسکن، بهداشت، خوراک، پوشاک، امنیت و ... برخوردار نیستند. نتیجه پایین بودن سطح زندگی، پایین بودن بازدهی نیروی کار، پایین بودن درآمد، پایین بودن نرخ رشد اقتصادی، وسعت فقر، توزیع ناعادلانه امکانات از جمله درآمد، ثروت و فرصت‌های شغلی و تفریحی...

#### (۲) پایین بودن سطح بهره‌وری نیروی کار:

این عامل خود ناشی از، سطح پایین زندگی است از قبیل پایین بودن کالری مصرفی، سوء تغذیه، بهداشت ناکافی، مسکن نامناسب، فقدان برنامه اوقات فراغت عدم آگاهی از اینکه چه تولید می‌کنیم و نقش ما در فرآیند حیات اقتصادی کشور چیست و احساس نیروی کار مبنی بر سلطه‌گری که توسط کارفرما، و عدم پرداخت حق حقوق او و سهم واقعی بر تولید موجب می‌شود تا کارگر کمتر از توان خود کار کند.

### ۳) پایین بودن سطح اشتغال:

طبق آمارهای رسمی تعداد زیادی از نیرو فعال کشورهای در حال گذر، فاقد شغل دائمی و آبرومند در شأن اجتماعی خود هستند به دلایل متعدد برای تمامی عوامل تولید اعم از سرمایه، نیروی کار، زمین، و سایر منابع طبیعی در این کشورها اتغال ناقص وجود دارد به درستی از آنها استفاده نمی شود.

### ۴) نرخ بالای رشد جمعیت و بار تکفل:

در حال حاضر در کشورهای در حال گذر نرخ رشد جمعیت به طور متوسط دو درصد است که در مقایسه با نرخ رشد جمعیت در کشورهای صنعتی که حدود نیم درصد است بالا می باشد... به افراد سالمند، کودکان و افراد غیر شامل در سن فعالیت بار تکفل اقتصادی گویند چون تولید کنند نیستند و افراد شاغل اداره مسئولیت را به عهده دارند به علت بالا بردن نرخ بیکاری و نرخ رشد جمعیت بار تکفل در این کشورها بسیار بالا است. این امر موجب افزایش فقر و کاهش رفاه اجتماعی، در این کشورها شده است. پیشرفت های علمی در دانش بشری موجب کشف داروها و روش گوناگون پزشکی برای مقابله با بیماری های گوناگون شده و نرخ مرگ و میر را کاهش داد. ولی نرخ زاد و ولد کاهش نیافته لذا نرخ رشد جمعیت همچنان بالا است.

### ۵) تک محصولی بودن و وابستگی به صادرات محصولات اولیه:

اغلب کشورهای در حال گذر تک محصولی اند و برای صادرات محصول خود به کشور صنعتی وابستگی دارند. منظور از تک محصولی بودن این است که رقم عهده صادرات آنها یک محصول تشکیل می دهد مثل شکر در کوبا، قهوه در برزیل و نفت در ایران، برنج در پاکستان و مواد معدنی در سایر کشورها....

این کشورها برای انبار کردن، حمل و نقل و سایر مراحل صادرات دچار مشکل اند و در آمد صادراتی آنها به بسیار ناچیز است. کشورهای در حال گذر در تولید مواد اولیه برتری نسبی دارند و لذا از بخش دیگر غفلت ورزیده و روند صنعتی شدن آنها بسیار کند است.

#### ۶) وابستگی به واردات از کشورهای صنعتی:

کشور در حال گذر به شدت به واردات کالا صنعتی ساخته و نیم ساخته و انتقال تکنولوژی و مصرفی و حتی غذایی از کشور توسعه یافته نیاز دارند. با توجه به محدودیت درآمد صادرات این کشورها و تقاضای در حال افزایش برای واردات اغلب این کشورها مشکل کسری که از پرداختها دارد و برای جبران آن وام‌های بسیار سنگینی با نرخ‌های بهره بالا از موسسات بین المللی و کشورهای توسعه یافته بگیرند و روز به روز بر مشکلات آنها افزوده می‌شود.

#### ۷) وجود انواع دوگانگی:

تودارو دوگانگی را وجود در موقعیت یا پدیده در کنار هم (یکی مطلوب و دیگری نا مطلوب) تعریف می‌کند مثل فقر شدید و فور نعمت. بخش‌های مدرن و سنتی اقتصاد، رشد و رکود، تعداد محدودی با تحصیلات دانشگاهی و توده بی سواد. انواع دوگانگی در کشور در حال گذر وجود دارد به همین دلیل این کشورها را اقتصادی دوگانه کننده ساختار اقتصادی و اجتماعی کشورها از دو بخش مجزا تشکیل شده، یک بخش سنتی و عقب مانده و بخش دیگر مدرن و پیشرفته که دو بخش فاقد ارتفاع و انسجام می‌باشد.

#### گوناگونی

۱) دوگانگی تکنولوژیکی

۲) دوگانگی مالی

- ۳) دوگانگی فرهنگی
- ۴) دوگانگی اقتصادی
- ۵) دوگانگی منطقه ای
- ۶) دوگانگی جغرافیایی
- ۷) دوگانگی اجتماعی
- ۸) دوگانگی شهری و روستایی
- ۹) دوگانگی صنعتی و کشاورزی
- ۱۰) دوگانگی بخش رسمی و غیر رسمی

پروفسور هیگلینر که مشخصه اصلی ممالک توسعه نیافته را در دوگانگی تکنولوژیکی میبیند و چنین تعریف می کند: تقسیم اقتصادی جامعه به دو بخش متمایز و کاملاً متفاوت، یکی دارای تکنولوژی عقب افتاده و یکی دارای تکنولوژی پیشرفته، در بخش پیشرفته تا آنجا که ممکن است مدرن و بهره وری نیروی انسانی در امر تولید به اندازه ممالک پیشرفته در سطحی بالا قرار دارد و در مواردی حتی فراتر از سطح ممالک پیشرفته است در مقابل در بخش سنتی روش های تولید قدیمی و متعلق به قرن های گذشته و اغلب کاربر می باشد و بهره وری نیروی انسانی بسیار کم و پایین است.

### خصوصیات غیر مشترک کشورهای در حال گذر:

کشورهای در حال گذر از لحاظ ساختار اقتصادی، فرهنگی، سیاسی، اجتماعی، جغرافیایی با یکدیگر تفاوت دارند. این تفاوت ها نشان می دهد که نمی توان یک الگو با برنامه برای توسعه ی

تمام کشورها ارائه نمود بلکه هر کشوری باید برنامه بومی و ملی جداگانه ای تدوین و اجرا نماید.

### خصوصیات غیر مشترک کشورهای در حال گذر عبارتند از:

(۱) اندازه کشور از لحاظ جغرافیایی ، جمعیتی و درآمدی: اندازه جغرافیایی یک کشور، جمعیت و سطح درآمد ملی سرانه از عوامل مهم تعیین کننده توسعه اقتصادی محسوب می شود. هر چه کشور بزرگتر و درآمد سرانه بیشتر باشد توان بالقوه کشور برای تولید بیشتر است هر چه جمعیت فعال و شاغل یک کشور بیشتر و با تکفل کمتر باشد توان بالقوه کشور برای طی مراحل توسعه افزایش می یابد.

(۲) سوابق تاریخی ، وابستگی خارجی ، سلطه و استعمال: سلطه ای قدرت های بزرگ موجب عقب ماندگی بسیاری از کشورها شده است اغلب کشورهای در حال گذر تحت استعمار بوده اند برخی مانند هند در گذشته و افغانستان و عراق در دهه اخیر تحت استعمار آشکار و برخی قبل ایران و مصرهیچگاه تحت استعمار آشکار نبود. ولی به صورت پنهان مستعمره بوده اند. درجه وابستگی کشورهای در حال گذر به ابر قدرت ها و استعمار گران به تمدن تاریخ سیاسی و منابع آنها بستگی دارد.

(۳) منابع انسانی و مادی؛ از لحاظ منابع انسانی و ویژگی های فرهنگی، مذهبی و اخلاق تفاوت های انسانی بین کشور های در حال گذر وجود دارد. آنهایی که منابع مادی انسانی و مادی لازم را دارند، سریعتر فرآیند توسعه را طی میکنند و آنهایی که نیروی ماهر و متخصص و منابع اولیه لازم را ندارند و یا کم دارند این فرآیند را به کندی طی میکنند و نیاز به سایر کشورها دارند.

۴) ترکیب فعالیت های بخش خصوصی و بخش دولتی؛ نظام اقتصادی اکثر کشور های جهان مختلط است ینی هم بخش خصوصی و هم بخش دولتی در فعالیت های اقتصادی مشارکت دارند سهم هر کدام از ۲ بخش تابع شرایط تاریخی و سیاسی کشورها است. سهم بخش خصوصی در کشورهای آمریکا لاتین به کشورهای آسیایی و آفریقایی بیشتر است، بزرگ بودن یا کوچک بودن بخش دولتی یا بخش خصوصی به خودی خود نه حسن و عیب محسوب می شود بلکه بستگی به کارایی هر بخش دارد.

۵) ساختار اقتصادی یکی از مهمترین ویژگی ها و شاخص های مهم توسعه اقتصادی تغییر اقتصادی از سمت کشاورزی به سوی صنعت و خدمات است ساختار اقتصادی اغلب کشورهای در حال گذر کشاورزی است ترتیب ۳ بخش فوق در هر کشوری نسبت به کشورهای دیگر متفاوت است هر چه کشور در جهت تغییر ساختار تحول پذیر باشد فرآیند توسعه را سریعتر طی خواهد کرد تغییر ساختار از بخش کشاورزی به صنعت موجب کاهش تولید بخش کشاورزی نمی شود بلکه بازدهی نیرو کار و سرمایه را در این بخش افزایش می دهد. صنعتی شدن موجب می شود تا بخش کشاورزی با همان امکانات قبلی تولید بیشتری داشته باشد. و همان تولید قبلی را با امکانات کمتری ایجاد نماید، کینا، تانفرانیا و اوگاندا سه کشوری هستند که بخش کشاورزی آنها بزرگترین بخش اقتصادی را تشکیل می دهد و در مقابل بخش کشاورزی در انگلستان و امریکا کوچکترین بخش اقتصادی می باشد.

۶) ساختار سیاسی؛ در هر کدام از کشورهای در حال گذر گروه های ممتازی وجود دارند که به خاطر منافع مشترک با یکدیگر متعهداند نظیر مالکین بزرگ، صاحبان صنایع بزرگ، بانکداران، اتحادیه های صنعتی و احراب سیاسی از ساختار این گروه های ممتاز در هر کشوری با سایر

کشورها متفاوت است و بطور یکی حاکمیت این گروه‌ها در کشورهای در حال گذر بیشتر از کشورهای توسعه یافته است.

### نظریات توسعه و نقاط قوت و ضعف آنها:

هر جامعه ای باید به هر میزان از صلاحیت و توانایی برسد که بتواند مشکلات و علل عدم توفیقات خود را به دقت ریشه یابی و با این تدبیر و برنامه ریزی اصولی آن را بر طرف نماید از این دو الگوی توسعه یک کشور نمی تواند وارداتی، تقلیدی و یا ... باشد بلکه این الگو باید در داخل هر کشور و بر اساس شرایط و داده‌های بومی تعاملات، مقتضیات وزیر بنای آن کشور طراحی و به اجرا در آید.

کشورهای در حال توسعه می‌توانند از تجربیات و الگو اقتصادی کشورهای توسعه یافته برای برنامه ریزی‌های بومی خود را استفاده نمایند لذا در این فصل نقطه نظرات و دیدگاه‌های ارائه شده توسط صاحب نظرات اقتصادی مکاتب کلاسیک، نئو کلاسیک معرفی شده است.

### تئوری توسعه اقتصادی آدام اسمیت:

آدام اسمیت اهل شهر کرکالوی اسکاتلند و تحصیل کرده دانشگاه آبردان انگلستان است. وی مشهور به پدر علم اقتصاد و بنیان گذار مکتب کلاسیک می‌باشد مهم ترین اثر وی در زمینه توسعه ی اقتصادی کتاب تحقیق درباره طبیعت و علل ثروت ملل که به اقتصاد ثروت ملل و گاهی ملل ثروت ملل نامیده می‌شود است. آدام اسمیت علل افزایش ثروت ملل یا به تعبیر امروزی علل توسعه اقتصادی را به شرح زیر می‌داند:

(۱) قوانین طبیعی

(۲) تقسیم کار



(۳) انباشت سرمایه

(۴) تارت داخلی و خارجی

(۵) افزایش جمعیت انسانی (نیروی کار)

### (۱) قوانین طبیعی :

آدام اسمیت معتقد است در جریان فعالیت‌های اقتصادی قوانین طبیعی اکم است هر فردی در طی نفع شخصی خود است اگر افراد به حال خود گذاشته شوند پیگیری نفع شخصی توسط افراد نفع اجتماعی را ایجاد خواهد کرد. او معتقد است یک دست نامرئی وجود دارد که بازار را به تعادل می‌رساند و اگر نیروهای عرضه و تقاضا به خود گذاشته شوند خود به خود شرایط تعادلی بر بازار حاکم خواهد شد. امست معتقد است این خیرخواهی قصاب و نانوا نیست که شام شب‌ها را آماده می‌کند بلکه این تعقیب نفع شخصی آنهاست که چنین کاری را می‌کنند به تعبیر وی اگر هر فردی پیگیر نفع شخصی خود باشد تمام مایحتاج جامعه فراهم می‌شود و جامعه ثروتمند می‌شود.

### (۲) تقسیم کار

تقسیم کار یعنی تولید هر کالا را به مراحل تقسیم و هر مرحله را به هر فرد واگذار نماییم. اسمیت برای توضیح مفهوم تقسیم کار مثال سنجاق سازی را به صورت زیر طرح می‌کند:  
اگر یک کارگر به تنهایی فرآیند تولید را پوشش دهد به سختی می‌تواند ۱۲ عدد سنجاق و با تلاش فراوان روی ۲۰ عدد سنجاق تولید کند --- تقسیم کار نشده در حالی که هر مرحله از کار می‌تواند توسط یک کارگر انجام شود بنابراین در صورت تقسیم کار هر کارگر می‌تواند روزی

۴۸۰۰ سنجاق تولید نماید در صورتی که قبل از تقسیم کار هر کارگر حتی ۲۰ سنجاق نمی توانست در روز تولید کند.

تقسیم کار بدون افزایش تعداد کارگران از ۳ طریق تولید را افزایش می دهد:

- ۱- افزایش مهارت و تخصص کارگران و افزایش قابلیت های هر کدام از آنها.
- ۲- صرفه جویی در وقت کارگر که به طور معمول با انجام فعالیت های مختلف تلف می شود.
- ۳- اختراع ماشین های زیاد و روش های تولید جدید که هر کارگر را قادر می سازد که به اندازه چندین نفر کار کند.

### ۳) انباشت سرمایه:

افزایش خالص در موجودی سرمایه کشور انباشت سرمایه گویند. اسمیت معتقد است به علت ویژگی نفع شخصی که به طور طبیعی در انسان ها وجود دارد هر فردی به ملت آینده نگری و محتاط بودن مقداری از درآمد خود را پس انداز می کند این پس انداز در دوره بعدی سرمایه گذاری می شود افزایش سرمایه گذاری موجب انباشت سرمایه و تولید بیشتر می شود بنابراین رشد و توسعه اقتصادی بستگی به سطح پس اندازها دارد به نظر اسمیت فقط سرمایه داران و زمین داران قادر به پس انداز و افزایش انباشت سرمایه هستند زیرا کارگران در سطح حداقل معیشت زندگی دستمزد دریافت می کنند.

### ۴) تجار داخلی و خارجی:

تقسیم کار چند نوع است، نوع ساده آن تقسیم کار بین افراد است. نوع دیگر آن بین شهر و روستا، بین مناطق یک کشور، بین بخش مختلف اقتصادی و بین کشورهای مختلف است در تجارت داخلی مزیت نسبی روستا در تولیدات کشاورزی و تهیه مواد غذایی شهر نشینان و

مزیت نسبی شهر در تولید مواد ساخته شده و نیم ساخته شده صنعتی و تولید مایحتاج روستائیان است.

از سوی دیگر اسمیت معتقد است تجارت خارجی به نفع تمام کشورهاست. هر کشوری با توجه به شرایط خاص طبیعی، جغرافیایی، جمعیتی، سیاسی، علمی، فرهنگی و اقتصادی خود در برخی از محصولات دارای مزیت نسبی است.

مزیت نسبی به این معناست که کشور کالایی را نسبت به سایر کشورها ارزان تر تولید کند. تجارت بین الملل موجب گسترش بازار می شود و تقسیم کار در تمام سطوح افزایش می دهد و در مجموع تولید جهان را برای تولید محصولات افزایش می دهد.

#### **(۵) افزایش نیروی کار:**

اسمیت جمعیت را نیرو کار تلقی می کند بنابراین با افزایش جمعیت موافق است و آن را یکی از عوامل توسعه اقتصادی می داند.

او معتقد است کارفرمایان باید دستمزدها را به بیش از سطح حداقل معیشت افزایش دهد تا کارگران مشتاق به ازدواج و تولیدمثل شود و افزایش جمعیت شود و به دنبال آن عرضه نیرو کار سود، سرمایه گذاری و تولید بیشتر شده و نهایتاً منجر به توسعه اقتصادی شود.

#### **نظریه رشد اقتصادی دیوید ریکاردو:**

متولد شهر لندن انگلستان و از جمله اقتصاد دانان مکتب کلاسیک و از پیش گامان علم اقتصاد است. مهمترین اثر وی در زمینه توسعه اقتصادی کتاب اصول اقتصاد سیاسی و مالیات ستانی است. وی در اندیشه اقتصادی خود به توسعه مکتب کلاسیک بنیان گذاری شده توسط اسمیت پرداخت در حالی که اسمیت روی مسئله تولید تاکید می ورزید ریکاردو بر مبحث توزیع

متمرکز گردید و بعداً نئوکلاسیک‌ها (شاگردان وی بر کارایی متمرکز شدن، وی معتقد است) در اقتصاد سه عامل اصلی تولید شامل زمین، نیرو کار، سرمایه وجود دارد در قبال استفاده از زمین اجاره بهاء، در قبال استفاده از نیرو کار دستمزد و در قبال استفاده از سرمایه سود پرداخت می‌شود.

۲ نظریه معروف ریکاردو، در زمینه توسعه اقتصادی عبارتند از:

۱- قانون بازدهی نهایی نزولی

۲- مزیت نسبی

(۱) قانون بازدهی نزولی:

به اعتقاد ریکاردو هم زمان با رشد اقتصادی و جمعیتی به دلیل افزایش نیاز به مواد غذایی و محصولات کشاورزی، کشاورزان مجبور خواهند شد زمین‌های دارای بهره‌وری پایین‌تر نیز زیر کشت ببرند؛ بعد از زمین‌های مرغوب یا درجه یک که در آغاز زیر کشت می‌روند زمین‌های درجه ۲ و درجه ۳ مورد استفاده قرار می‌گیرند از آنجایی که بهره‌وری زمین‌های درجه ۲ و ۳ کمتر از زمین‌های درجه یک است هزینه تولید در آنان افزایش می‌یابد در نتیجه قیمت مواد غذایی افزایش یافته و به طبع سود بادآورده‌ای (رانت) نصیب صاحبان زمین درجه یک می‌گردد.

رانت درآمدی است که بدون تلاش به دست می‌آید.

مقدار این رانت دریافتی توسط صاحبان زمین همگام با رشد جمعیت افزایش یافته و باعث کاهش درآمد کل جامعه می‌شود نهایتاً اقتصاد به یک وضعیت ایستا یا سکون می‌رسد که در آن کارگران صرفاً دستمزدهایی در سطح حداقل معیشت دریافت می‌کنند به اعتقاد ریکاردو

رشد اقتصادی در یک جامعه سرمایه داری در سایه وجوه مواد غذایی ارزان قیمت و در نتیجه افزایش امکان انباشت سرمایه در صنعت تولید بیشتر و در نهایت افزایش درآمدهای اقتصادی کل تحقق می‌یابد.

## ۲) مزیت نسبی :

بر اساس این نظریه مبادله آزاد ما بین کشورها باعث افزایش مقدار تولیدات جهانی می‌شود اگر هر کشوری به تولید کالاهایی روی می‌آورد که توانایی تولید آنها را با هزینه نسبی کمتری با مقایسه با دیگر شرکا و رقبای تجاری خود دارد در این صورت کشور مفروض قادر خواهد بود مقداری از کالایی را که با هزینه کمتری تولید می‌کند با کالای دیگری که ملت دیگر قادر به تولید ارزان تر آنها هستند مبادله نمایند. در پایان یک دوره زمانی ملت‌ها در خواهند یافت امکان مصرف آن در اثر تجارت و تخصیص شدن نسبت به زمانی که همه کالا مورد نیاز خود در داخل کشورشان تولید می‌کردند افزایش یافته است. به همین خاطر اقتصاد دانان تجارت آزاد جهانی را مطلوب می‌دانند چون باعث افزایش GNP کشورها و به طبع افزایش رفاه ملت‌ها خواهد شد.

## تئوری توسعه اقتصادی جان کینز:

متولد شهر کمبریج انگلیس و بنیان گذار اقتصاد سیاسی (اقتصاد کلان) است. کینز کتاب نظریه عمومی امور اشتغال بهره و پول را در سال ۱۹۳۶ نوشت وی پس از به بن بست رسیدن نظام سرمایه داری آدم اسمیت و انتقادات مارکرمی برای حل آن نسخه نوشت. کینز به حل مشکلات تئوری‌های کلاسیک توسعه اقتصادی پرداخت و باعث نظام سرمایه داری محض (نظامی که متکی بر نفع شخصی و رقابت است) اصلاح شود. کینز طرفدار تقاضا است و معتقد

است در اقتصاد عرضه بیشتر از تقاضا است و در بخش تولید مشکلی وجود ندارد ولی مصرف کم است. او معتقد است با پر میل نهایی به پس انداز کم شود و میل نهایی به مصرف افزایش یابد تا از این طریق ضریب افزایش تولید طلب تقاضا را تحت تاثیر قرار دهد. به نظر کینز بین میزان درآمد جامعه و اشتغال یک رابطه متقابل وجود دارد هر کدام که افزایش یابد دیگری به دنبال آن افزایش می‌یابد هر کدام که کاهش یابد دیگری نیز کاهش می‌یابد. میزان اشتغال به میزان تقاضای موثر در جامعه بستگی دارد. با افزایش قیمت‌ها افزایش می‌یابد. عرضه کنندگان برای پاسخگویی به تقاضا عرضه خود افزایش می‌دهند افزایش عرضه در صورتی امکان پذیر است که تولید افزایش یابد افزایش تولید نیاز به عوامل تولید بیشتر از جمله نیروی کار دارد لذا تقاضا برای نیروی کار زیاد می‌شود بنابراین تقاضای مؤثر میزان اشتغال را تعیین می‌کند. کینز در نظریه ی خود شرایط زیر را در نظر می‌گیرد که با رعایت این شرایط مدل کینز یک مدل توسعه اقتصادی است:

(۱) توانایی کشور برای کنترل رشد بی رویه جمعیت

(۲) توانایی کشور برای پیشگیری از جنگ

(۳) پذیرفتن پیشرفت‌های فنی و علمی و پذیرش علم برای حل مسائل اقتصادی

(۴) تنظیم نرخ انباشت سرمایه از طریق تولید و مصرف.

کینز ورشکستگی نظام سرمایه داری را به علت مازاد تولید، کمبود مصرف و کاهش کارایی نهایی سرمایه پیش بینی کرده بود و راه حل خروج از بحران و جلوگیری از ورشکستگی را در دخالت دولت در فعالیت‌های اقتصادی و افزایش تقاضای کل از طریق افزایش مخارج دولتی ذکر کرد. نظریه کینز نظیر سایر نظریه‌های توسعه قابل بسط و توسعه به هر کشوری با هر

سازمان اقتصادی اجتماعی نیست بلکه این نظریه بر اساس مشکلات کشورهای غربی مخصوصاً انگلستان و آمریکا برای حل بحران ۱۹۲۹ تا ۱۹۳۲ ارائه شد و نتیجه خوبی داشت.

### **نظریه توسعه اقتصادی والت و یتمین روستو:**

روستو اعتقاد دارد که رشد و توسعه اقتصادی فقط جنبه اقتصادی ندارد بلکه حاصل تحولات اجتماعی است او جریان توسعه را از دیدگاه اقتصادی، تاریخی مورد بررسی قرار می‌دهد. روستو فرآیند توسعه اقتصادی را ۵ مرحله تقسیم می‌کند.

#### **۱- جامعه سنتی:**

در این جامعه بازدهی و تولید سرانه بسیار پایین است و اقتصاد به صورت معیشتی و خود مصرفی اداره می‌شود. رایج ترین فعالیت و مهم ترین منبع درآمد مردم کشاورزی است.

#### **۲- شرایط ماقبل خیز:**

در این مرحله پیش شرطهای خیزش اقتصادی فراهم می‌شود. زمان زیادی طول می‌کشد تا جامعه سنتی متحول شود و بتواند از ثمرات دانش جدید استفاده نماید و بازدهی نزولی را به حداقل برساند.

#### **۳- مرحله خیزش اقتصادی:**

نقطه عطف در نظریه روستو مرحله ی خیزش اقتصادی است تفاوت این مرحله با مرحله قبل از خیزش در این است که میزان سرمایه گذاری جامعه که در دوران ماقبل خیز کمتر از ۵٪ تولید ناخالص ملی بود به ۱۰ تا ۱۵ درصد تولید ناخالص ملی می‌رسد.

#### **۴- مرحله بلوغ اقتصادی:**

ویژگی‌های مهم بلوغ اقتصادی سطح بالای سرانه و کاربرد تکنولوژی‌ها و پیشرفت‌های فنی جدید در اکثر فعالیت‌های اقتصادی است. مرحله بلوغ اقتصادی نسبتاً طولانی است و گاهی به چهار دهه می‌رسد.

#### ۵- مرحله ی مصرف انبوه:

در این مرحله درآمد سرانه واقعی به نقطه ایی می‌رسد که مصرف زیادی افراد فراتر از خوراک و پوشاک و مسکن و سایر نیازهای اولیه است.

نکته: مهم ترین انتقادی که به نظریه توسعه اقتصادی رستو وارد شده است این است که به طور کلی بین مراحل ذکر شده به لحاظ تاریخی توالی وجود ندارد و هر مرحله دقیقاً پس از طی مرحله ی قبلی که رستو ذکر کرده اتفاق نیافته است.

#### مرحله خیز در کشور های مختلف

| نام کشور | شروع و پایان مرحله خیز | مدت مرحله خیز |
|----------|------------------------|---------------|
| بریتانیا | ۱۷۸۳-۱۸۰۲              | ۱۹ سال        |
| فرانسه   | ۱۸۳۰-۱۸۶۰              | ۳۰ سال        |
| بلژیک    | ۱۸۳۲-۱۸۶۰              | ۲۷ سال        |
| آمریکا   | ۱۸۴۳-۱۸۶۰              | ۱۷ سال        |
| آلمان    | ۱۸۵۰-۱۸۷۳              | ۲۳ سال        |
| سوئد     | ۱۸۶۸-۱۸۹۰              | ۲۲ سال        |



|        |           |        |
|--------|-----------|--------|
| ۲۲ سال | ۱۸۷۸-۱۹۰۰ | ژاپن   |
| ۲۴ سال | ۱۸۹۰-۱۹۱۴ | روسیه  |
| ۱۸ سال | ۱۸۹۶-۱۹۱۴ | کانادا |

### تاریخ رسیدن به مرحله بلوغ اقتصادی

| سال  | نام کشور |
|------|----------|
| ۱۸۵۰ | بریتانیا |
| ۱۹۰۰ | آمریکا   |
| ۱۹۱۰ | فرانسه   |
| ۱۹۱۰ | آلمان    |
| ۱۹۲۰ | بلژیک    |
| ۱۹۳۰ | سوئد     |
| ۱۹۴۰ | ژاپن     |
| ۱۹۵۰ | روسیه    |
| ۱۹۵۰ | کانادا   |

### نظریه اقتصادی هارود و دومار:

هارود و دومار دو اقتصاد دان معروف هستند که در دهه چهل میلادی دو نظریه مستقل و مشابه ارائه کردند در بعضی از کتابها این دو نظریه به صورت مستقل ارائه شده است و در برخی دیگر به صورت لتفیق شده و تحت یک الگو با عنوان الگو رشد اقتصادی هاردومان ارائه میشود.

مدل رشد اقتصادی هاردومار بر اساس تجربه کشورهای پیشرفته صنعتی پایه گذاری شده است. این مدل در حقیقت بسته نظریه کینز است.

نظریه کینز بر خلاف نظریه کلاسیک‌ها می‌گوید پس انداز برابر سرمایه گذاری است.  $S=R$  هارود و دومار سعی کردن نظریه رشد اقتصادی خود را بر اساس رشد یکنواخت بی وقفه و ملایم استوار سازند. در این نظریه نقش اساسی در روند رشد اقتصادی به سرمایه گذاری داده شده است. در این مدل سرمایه گذاری دارای ۲ ویژگی است:

(۱) ایجاد درآمد می‌کند

(۲) از طریق افزایش در موجودی سرمایه ظرفیت‌های تولیدی را افزایش می‌دهد.

اولی را اثر تقاضا و دومی را اثر عرضه سرمایه گذاری می‌نامند.

### فرض‌های مدل:

مدل رشد اقتصادی هارود و مارو بر چند فرض اساسی بنا شده، بدون در نظر گرفتن فرض‌ها نظریه نتایج دیگری خواهد داشت. این فرض‌ها عبارتند از:

(۱) نرخ بهره ثابت است

(۲) تکنولوژی ثابت است

(۳) اقتصاد ۲ بخشی است

(۴) تجارت خارجی وجود ندارد

(۵) دولت در اقتصاد وجود ندارد

(۶) استهلاک سرمایه وجود ندارد

(۷) نیروی کار با نرخ ثابت رشد می‌کند (L)

۸) نسبت سرمایه به تولید ثابت است  $(K \frac{K}{Y})$

۹) نسبت پس انداز به تولید ثابت است  $(S \frac{S}{Y})$

۱۰) تعادل در سطح اشتغال کامل تمام عوامل تولیدات وجود دارد.

۱۱) میل نهایی به پس انداز با میل متوسط پس انداز برابر بوده و ثابت است.  $MPS=APS$

### متغیرهای مدل:

متغیرهایی که در مدل هارود و مارو به کار رفته عبارتند از:

$\Delta K$  افزایش در موجودی سرمایه

$K \frac{K}{Y}$  نسبت سرمایه به تولید

$(S \frac{S}{Y})$  نسبت پس انداز به تولید

$g$  نرخ رشد اقتصادی

$L'$  نرخ رشد طبیعی جمعیت (نیروی کار)

$K$  موجودی سرمایه

$Y$  (GNP) تولید ناخالص ملی

$T$  زمان

$S_T$  پس انداز برنامه ریزی شده در زمان  $T$

$I'$  نرخ رشد سرمایه گذاری

سرمایه گذاری برنامه ریزی شده در واحد  $t$

مدل: هر اقتصادی باید نسبت معینی از درآمدش را پس انداز کند. / برای رشد اقتصادی سرمایه

گذاری جدیدی که نشان دهنده، افزایش در موجودی سرمایه می باشد لازم است در مدل هارود و

دومار سرمایه گذاری نقش اساسی در کلیدی دارد بر اساس تمام فرض‌های مدل نهایتاً رابطه زیر نرخ رشد اقتصادی را نشان می‌دهد.

به وسیله نرخ پس انداز و نسبت سرمایه به تولید تعیین می‌شود. با نرخ پس انداز رابطه مستقیم و با نسبت سرمایه به تولید رابطه عکس دارد. در این مدل همچنین نرخ رشد اقتصادی، نرخ رشد تولید، نرخ رشد نیروی کار با هم برابرند.

### نظریه رشد متعادل اقتصادی:

این نظریه اولین بار در دهه ۱۹۵۰ مطرح شد زیر بنای این نظریه اعتقاد به صرفه جویی خارجی وابستگی افقی و متقابل تقاضا در بخش‌های مختلف اقتصادی است. نظریه متعادل رشد اقتصادی برای از بین بردن دوره‌های باطل فقر در کشورهای در حال گذر پیشنهاد می‌کند سرمایه گذاری‌های همزمان و متقارن در طرح‌های متعدد اجتماعی صورت گیرد و از طریق ایجاد درآمد برای افرادی که در بخش مختلف فعالیت می‌کند تقاضا برای تولیدات سایر بخش‌ها ایجاد و بازار وسیعی برای کلیه خدمات و کالاها فراهم گردد. این نظریه با سرمایه گذاری‌های منفصل و پراکنده مخالف است چون بازاری برای جذب تولیدات جدید وجود ندارد لذا برای کلیه بخش‌ها در آمدی ایجاد کرد تا تقاضا افزایش یابد و این ممکن نیست مگر سرمایه گذاری همزمان در تمام بخش‌های اقتصادی، نظریه رشد متعادل اقتصادی به طور خلاصه عبارت است از فراهم نمودن حداقل سرمایه گذاری در تمامی فعالیت‌های اقتصادی و بخش‌های مختلف تولیدی برای اینکه بخش اقتصادی بتواند از یکدیگر حمایت نماید چون

بخش‌ها با یکدیگر مرتبط بوده به یکدیگر کالا عرضه می‌کند و از یکدیگر تقاضا می‌کنند و موجر هم افزایشی یکدیگر می‌شوند.

**نکته:** منظور از صرفه جویی خارجی منافع است که در اثر فعالیت مصرفی یا تولیدی یک فرد یا گروه اجتماعی نصیب افراد یا گروه‌های اجتماعی دیگری می‌شود که نقشی در آن فعالیت اقتصادی نداشتند. در این نظریه به نقش بازار در رساندن اقتصاد در تعادل و طی روند توسعه اقتصادی تاکید شده است.

**نکته:** سه تن از نظریه پردازان نظریه رشد متعادل اقتصادی عبارتند از:

(۱) روزن اشتاین رودن

(۲) نورکس

(۳) نلسون

### تعریف رشد متعادل اقتصادی:

به معنی سرمایه گذاری‌های همزمان و هماهنگ در بخش‌های مختلف اقتصادی به منظور رشد همزمان تمامی بخش‌ها است رشد متعادل یا توسعه همزمان بسیاری از منابع مستلزم بسیج مقادیر زیادی از منابع در یک زمان معین است. کلید موفقیت این نظریه به کارگیری وجوه کافی برای توسعه همزمان بسیاری از صنایع است بنابراین برای توسعه اقتصادی کشورهای در حال گذر چاره ای جزء ایجاد یک سازوکار پس انداز اجباری از طریق برنامه ریزی دولتی وجود ندارد.

**نکته:** از جمله انتقادات وارد بر نظریه رشد متعادل اقتصادی این است که کشورهای در حال گذر سرمایه کافی برای سرمایه گذاری در تمام بخش‌ها را ندارد.

۲) الگو رشد متعادل اقتصادی نیاز به برنامه ریزی زمانی بسیار دقیق و هماهنگی لازم بین نهادها و عوامل مختلف کشور دارد اما کشورهای در حال گذر فاقد چنین توانایی هستند.

### نظریه رشد نامتعادل اقتصادی:

رشد نامتعادل زمانی رخ می‌دهد که بعضی از رشدهای اقتصادی نقش رهبری را بر فرآیند توسعه فراگیرند و قبل از سایر بخش‌ها به سوی توسعه گام بردارند تفاوت نظریه رشد متعادل و نظریه رشد نامتعادل در این است که رشد سریع تر برخی از بخش اقتصاد به عدم تعادل منتهی می‌شود و این بخش‌ها نقش پیشرو یا رهبر را در امر توسعه اقتصادی بر عهده دارد.

ریشه ایجاد نظریه رشد نامتعادل اقتصادی انتقاداتی است که به نظریه رشد متعادل منتقل شد. آلبرت هیرشن به عنوان بزرگترین رشد اقتصادی معتقد است سرمایه گذاری را باید در بخش‌های خاصی که بازدهی بیشتری نسبت به سایر بخش‌ها دارد شروع کنیم تا سایر بخش‌ها به دنبال بخش‌های پیشتاز حرکت کنند.

کشورهای روسیه، هندوستان، الجزایر، پاکستان نظریه رشد نامتعادل اقتصادی اجرا کرد. تا حدی موفق شدند توسعه کشورهای پیشرفته کنونی نیز از طریق گسترش فعالیت‌های اقتصادی در بخش‌های پیشتاز چون نساجی در قرن ۱۹ در گیرتانیای ژاپن و راه آهن در فرانسه و آمریکا صورت گرفت.

### استراتژی‌های توسعه اقتصادی:

استراتژی به مفهوم دستورالعمل بلند مدت و فراگیر است. سیاست به معنی دستورالعمل کوتاه مدت غیر فراگیر و محدود است که گاهی به جای استراتژی به کار می‌روند. تمام استراتژی‌ها پسوندی از تجارت خارجی دارند ایده پردازان این معتقدند بدون تجارت خارجی توسعه

اقتصادی ممکن نیست زیرا اصل مزیت نسبی موجب بهبود شیوه‌های تولید و تخصیص بهینه منابع می‌شود و یک نوع تقسیم کار بین المللی صورت می‌گیرد همه این استراتژی‌ها از بخش صنعت نشئت می‌گیرد و این یک دلیل تاریخی دارد زیرا کشورهای توسعه یافته در کشاورزی به حد اشباع رسیده اند لذا کشاورزی را موجب توسعه نمی‌دانند مگر بین بخش صنعت و کشاورزی ارتباط جدی وجود داشته باشد.

### (۱) استراتژی جایگزینی واردات:

اولین استراتژی که بشر استفاده کرد جایگزینی واردات و اولین کشور انگلستان بود. جایگزینی واردات به معنی واگذاری توسعه صنعتی از طریق حمایت می‌باشد در طول این استراتژی به تدریج کشور تولیدات خارجی جایگزین مشابه تولید خارجی می‌کند. در ابتدا هزینه اولیه تولید ممکن است از قیمت کالا وارداتی بیشتر باشد لذا با حمایت گمرکی تشویق مالیاتی و سرمایه گذاری باید استراتژی را ادامه داد تا به مرحله سودآوری تولید به مقیاس وسیع و هزینه کم دست یافت. استراتژی جایگزینی واردات لازمه اش آزادی اقتصادی در داخل و کنترل شدید خارجی است.

### تقسیم بندی استراتژی جایگزینی واردات:

این استراتژی از دو بعد تقسیم می‌شود:

#### (۱) جامعیت و فراگیری (۲) تاثیر بر نرخ رشد (توزیع ندارد)

#### تقسیم بندی استراتژی جایگزینی واردات از جامعیت و فراگیری:

از نظر جامعیت فراگیری این استراتژی سه نوع است:

#### (۱) جایگزینی واردات نسبی:

کشور از این استراتژی برای تولید یک یا چند محصول استفاده می‌کند و یا برای تولید یک محصول ابتدا بخشی از آن را تولید و مابقی را وارد می‌کند تا سپس از طی مراحل بعدی کالا را به طول کامل در داخل تولید نماید.

## ۲) گام به گام:

کشور از یک نقطه جایگزینی واردات را شروع می‌کند و به تدریج یک بخش و بعد سایر بخش‌ها را به طول کامل جایگزین واردات می‌نماید. مثلاً در ابتدا در صنعت فولاد سازی جایگزینی واردات را انجام می‌دهد و بعد با استفاده از صنعت فولاد صنعت اتومبیل را توسعه می‌دهد.

## ۳) مطلق:

کشور در یک لحظه تصمیم می‌گیرد تمام کالاها را خودش تولید کند و هیچ کالا یا ماده اولیه ای را وارد ننماید. این استراتژی معمولاً کشور انقلابی پس از سقوط دولت‌های وابسته و تحت سلطه استعمال اتخاذ می‌نماید.

## ۲) استراتژی تشویق صادرات:

در این استراتژی بخش صادرات رهبری رشد اقتصادی را بر عهده دارد. کشور تا جایی که امکان دارد تلاش می‌کند مواد اولیه و کالاهای ساخته و نیمه ساخته را صادر و عرض لازم برای واردات کالا مورد نیاز را تامین نماید بخش بسزایی از اقتصاد به نام سکوی صادرات، کالاهایی را تولید و صادر می‌کند. در کشورهای غربی استراتژی تشویقی صادرات دنباله استراتژی



جایگزینی واردات بوده است یعنی ابتدا کالا را خودشان مصرف می‌کردند بعد مازاد آن را به سایر کشورها می‌فروختند.

در حالی که کشورهای جنوب شرقی آسیا کره و هنگ‌کنگ خودشان مصرف کننده نیستند بلکه صادرات مستقل از بخش داخل یاقتصاد صورت می‌گیرد استراتژی تشویق صادرات لازمه اش آزادی و اقتصادی در خارج و کنترل شدید داخلی است.

### ۳) استراتژی جایگزینی صادرات:

در این استراتژی کشور به جای صدور مواد اولیه مثل نفت به صورت خام آن را به کالا ساخته و نیم ساخته تبدیل و سپس صادر می‌نماید تا ارزش افزوده بیشتری به دست آورد. این استراتژی از اواسط دهه ۱۹۷۰ توسط یونیدو معرفی شد این استراتژی موردی است و برای همه ی کشورها قابل استفاده نیست و مزایای آن این است که اولاً ارزش افزوده زیادی ایجاد می‌کند ثانیاً قیمت محصولات که تولید می‌کند از حاشیه امنیت بیشتر برخوردار است به طور مثال نفت یا هر ماده اولیه اگر به صورت خام صادر شود قیمت را مشتری تعیین می‌کند ولی اگر به کالاس اخته شده تبدیل شود قیمت را فروشنده تعیین می‌کند.

**نکته:** پاکستان استراتژی جایگزینی واردات گام به گام را در خودکفایی انتخاب نمود. هند استراتژی جایگزینی واردات مطلق در جهت خودکفایی انتخاب نمود.

ایران قبل از انقلاب اسلامی واردات نسبی را در جهت تولید کالاهای مصرفی انتخاب نمود.

### برنامه ریزی :

تمامی کشورها با هر نوع نظام اقتصادی در فعالیتهای اقتصادی خود از برنامه ریزی استفاده می‌کنند. بنابراین لازم است که با برنامه ریزی و انواع آن آشنا شوید هیچ کشوری توسعه یافته

ای نیست که از برنامه ریزی استفاده نکرده باشد حتی کشورهای سرمایه داری برای تنظیم بازار و تولید کالاها و خدمات عمومی از برنامه ریزی استفاده می کنند.

### انواع برنامه ریزی از لحاظ دخالت دولت:

از لحاظ دخالت دولت برنامه ریزی به دو نوع تقسیم می شود که به شرح آنها می پردازیم:

#### ۱) دستوری:

در این نوع فقط دولت متولی اجرای برنامه است اهداف و بودجه توسط دولت تعیین می گردد. مثل برنامه ریزی آموزش و پرورش و تامین اجتماعی... در این نوع آنچه از بالا توسط دولت دیکته می شود باید اجرا گردد و انعطافی در برنامه وجود ندارد.

#### ۲) ارشادی:

در این نوع دولت وظیفه ارشاد و هدایت را بر عهده دارد و انگیزهها مورد توجه قرار می گیرد. سیستم جریمه و پاداش وجود دارد از مکانیزم بازار استفاده می شود. در این نوع انگیزههایی که دولت ایجاد می کند باید آنقدر باشد تا بخش خصوصی به دنبال آن حرکت کند در غیر این صورت موفق نخواهد شد بنابراین در کشورهایی که نظام اقتصادی آنها مختلط است باید ۲ نوع برنامه ریزی وجود داشته باشد به عنوان مثال برای آموزش و پرورش برنامه ریزی دستوری و برای کشاورزی و بعضی از صنایع برنامه ریزی ارشادی مورد استفاده قرار می گیرد.

### برنامه ریزی مشروط در مقابل برنامه ریزی تجویزی و اجباری:

#### ۱) برنامه ریزی مشروط:

این نوع در فرانسه رایج است و از پیش تعیین نشده بلکه انعطاف پذیر است.

#### ۲) برنامه ریزی تجویزی و اجباری:

بسیار جامع و انعطاف پذیر است و در آن مقامات برنامه ریزی تصمیم میگیرند به چه میزان در هر بخش اقتصادی سرمایه گذاری صورت گیرد و چه نوع کالا و خدماتی به چه میزان تولید شود.

### **برنامه ریزی اقتصادی در ایران:**

سابقه برنامه ریزی در ایران بر اساس تدوین برنامه بلند مدت به بیش از نیم قرن می‌رسد. قبل از انقلاب اسلامی ۵ برنامه تهیه و اجرا شد و برنامه ششم تدوین شد ولی با وقوع انقلاب اسلامی اجرا نشد پس از انقلاب ۵ برنامه تهیه شد که اولین آن به دلیل جنگ تحمیلی اجرا نشد سه برنامه تاکنون اجرا شده و برنامه چهارم در حال اجرا است. برنامه اول و دوم قبل از انقلاب هفت ساله و برنامه سوم و چهارم و پنجم ۵ ساله بود. برنامه اول و دوم جامع و کامل نبودند و اهداف آنها بسیار کلی بودند ولی برنامه سوم و چهارم ۵ خصوصیات یک برنامه جامع را داشتند و اهداف آنها تا حدی زیادی مشخص بود.

### **برنامه اول توسعه اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۶۸ تا ۱۳۷۲):**

هدف این برنامه از بین بردن عدم تعادل اقتصادی و ایجاد شرایط لازم برای گذر از اقتصاد جنگی و یک اقتصاد با نرخ رشد سریع با استفاده از ظرفیت‌های استفاده نشده اقتصاد و همچنین تلاش برای گسترش ظرفیت‌های زیر بنایی اقتصاد نظیر بخش‌های برق، آب، راه بود.

### **بررسی عملکرد برنامه اول**

نقطه قوت اول این بود که موجب تحرک فعالیت‌های اقتصادی گردید و اقتصاد از اواسط سال ۱۳۶۸ وارد مرحله رونق اقتصادی شد و کشور از یک دوره رکود طولانی خارج شد.

**برنامه دوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۷۴ تا ۱۳۷۸):**

هدف این برنامه دستیابی به عدالت اجتماعی تقویت ارزش‌های فرهنگی و انقلابی با توجه به بخش‌های اجتماعی متعادل کردن روابط اقتصاد خارجی افزایش کارایی نظام اداری و اصلاح روند خصوصی سازی در دستیابی به تعادل اقتصادی بود.

#### **بررسی عملکرد برنامه دوم**

نرخ رشد تولید ناخالص داخلی در طی برنامه دوم  $۳/۸$  درصد بوده که نسبت به هدف برنامه ( $۵/۲$  درصد) کاهش چشم‌گیری داشته است. در طول برنامه نرخ تورم به  $۲۶/۵$  درصد رسیده و در سال ۱۳۷۴ به ۴۹ درصد رسید که بالاترین نرخ تورم طول تاریخ اقتصادی ایران است.

**برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۷۹ تا ۱۳۸۳):**

هدف برنامه سوم بهبود مستمر سطح زندگی جامعه و کیفیت آن همچنین ارتقای اندیشه اسلامی و معنویت در جامعه حفظ آزادی انسان‌ها، توجه به حقوق مردم و تاکید بر آزادی‌های قانونی و امنیت اجتماعی و حفظ وحدت ملی است.

#### **بررسی عملکرد برنامه سوم:**

در بخش اشتغال نرخ بیکاری از ۱۵ درصد به ۱۲/۵ درصد کاهش یافت برای این منظور ورود نیروی کار خارجی محدود شد و سرمایه گذاری در مناطق محروم افزایش یافت.

برنامه ریزی و توسعه اقتصادی - استاد کریمین